پای درس علی(ع)

آماده شدن برای آخرت

امام علی(ع): «کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد، خود را آماده می‌سازد.»

نهج البلاغه - حکمت ۲۸۰

سالروز اولین فرار شاه

تشریف بیاورید، راه باز است! اصلاً چرا رفتید؟!

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... اخبار تهران و سایر پیام‌ها و گزارش‌ها را از طریق فرستنده‌ای که در کاخ سعدآباد نصب شده بود، دریافت می‌کردیم.... ما بی‌صبرانه منتظر خبرهای تهران بودیم. فرستنده سعدآباد از کار افتاد. شاه مضطرب و نگران در طول و عرض اطاق قدم می‌زد و من که کمتر از او نگران نبودم، روی مبل نشسته و ساکت بودم. نمی‌دانم چه ساعتی به خواب رفته بودم که ساعت چهار صبح شاه مرا از خواب بیدار کرد و درحالی‌که صدایش از وحشت و اضطراب می‌لرزید، گفت: ثریا همان‌طور که پیش‌بینی کرده بودم، کار خراب شد. مصدق از فرمان برکناری خود اطاعت نکرده و زاهدی هم به جای اینکه دست به کاری بزند، مخفی شده است. هرچه زودتر باید از این جا فرار کنیم. باید خودمان را به رامسر برسانیم و از آنجا به بغداد پرواز کنیم...»

این جملات بخشی از خاطرات ثریا اسفندیاری (همسر دوم محمدرضا پهلوی) است که ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ همراه او در کلاردشت به سر می‌برد. در ساعت ۲ بامداد، سرهنگ نعمت‌الله نصیری (فرمانده گارد شاه) با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیپ ارتش و یک زرهپوش به در خانه مصدق رفت تا فرمان شاه مبنی بر عزل وی را ابلاغ نماید اما توسط گارد محافظ مصدق بازداشت گردید.

البته این طرحی بود که سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس (MI۶) و آمریکا (CIA) از مدتها پیش برنامه‌ریزی کرده بودند. قرار براین بود شاه ضمن آنکه دستور برکناری و بازداشت مصدق را می‌دهد، خود نیز از کشور خارج شود تا شرایط کودتا فراهم گردد. این موارد با واسطه به اطلاع شاه رسیده بود. اما شاه به این طرح و نقشه باور و اعتماد نداشت و می‌خواست این برنامه به نحوی از سوی آمریکا یا انگلیس تایید شود. شاه یک نشانه و علامت یا کد و یا رمزی می‌خواست که مستقیما از سوی اربابان غربی‌اش صادر گردد.

شاه: مرا رها کنید!

از همین روی اسدالله رشیدیان از عوامل سفارت انگلیس به ملاقات شاه رفت و با وی قرار بیان جمله‌ای به عنوان رمز گذارد که از سوی رادیوی بی‌بی‌سی گفته شود، مارک گازیوروسکی استاد علوم سیاسی دانشگاه لوییزیانای آمریکا،در کتاب خود تحت عنوان «کودتای سال ۱۳۳۲ علیه مصدق» در این باره نوشته است:

«... اسدالله رشیدیان در روزهای ۳۰ و۳۱ ژوییه (۸ و ۹ مرداد) با شاه ملاقات کرد. وی برای اثبات این امر که از جانب انگلستان سخن می‌گوید ترتیبی داد که یکی از عبارت‌های انتخاب شده شاه از رادیو BBC پخش شود...»

جمله فوق رأس ساعت ۱۲ نیمه شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو بی‌بی‌سی پخش شد و محمدرضا بلافاصله به همراه ثریا، صبح ۲۵ مرداد از رامسر به سوی بغداد پرواز کرد.«بری» سفیر آمریکا در عراق که پس از ورود شاه به بغداد با وی دیدار نموده بود، در تلگرافی به تاریخ ۲۶ مرداد به وزارت امورخارجه ایالات متحده از روحیه درهم شکسته شاه نوشته بود. این نخستین فرار شاه دوم پهلوی بود.

صبح ۲۵ مرداد تیتر روزنامه باختر امروز به سردبیری دکتر حسین فاطمی (وزیر امور خارجه) نوشت: «شاه فراری با یک هواپیمای انگلیسی به طرف لندن پرواز کرد.»

با اطلاع مردم از فرار شاه، تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای مختلف برپا شد و مردم مجسمه‌های شاه و رضاخان را پایین کشیدند. طی سخنرانی در اجتماع میدان بهارستان، دکتر فاطمی شاه را لایق حکومت بر کشور ندانست و گفت:

«... فرزند آن پدری که قرارداد ۱۹۳۳ را به ۶۰ سال تمدید کرد، علیه نهضت ملی قیام نمود... دربار پهلوی روی جنایات ملک فاروق را سفید کرد... روزی که صدای رادیو تهران بلند شد و گفت نقشه کودتاچیان نقش برآب شد، وی راه اولین سفارتی را که انگلستان در خارج از ایران دارد در پیش گرفت... دربار پهلوی آنچنان منقرض شد که جز اراده خدا اراده دیگری نمی‌توانست، بدون اینکه خون از دماغ کسی بریزد، این کابوس مرگ را نابود کند...»

شاه و ثریا از بغداد به رم رفته و در آنجا ساکن شدند تا اینکه خبر کودتای ۲۸ مرداد را دریافت کرده و در دیدار با سفیر آمریکا در ایتالیا متوجه شدند که می‌توانند به ایران برگردند!

ارتشبد سابق حسین فردوست، رئیس اداره اطلاعات ویژه و دوست نزدیک شاه در خاطراتش درباره فرار شاه در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ گفته است:

«... بعدها رئیس MI۶ ایران به من گفت که در آغاز این مذاکرات (مذاکرات برای بازگشت شاه به ایران)، محمدرضا مراجعت به تهران را نمی‌پذیرفت و به آمریکایی‌ها پیشنهاد می‌کرد که یک فرد نظامی را برای این کار در نظر بگیرند. آمریکایی‌ها نیز کار را تمام شده می‌دیدند و اصراری در مراجعت محمدرضا نداشتند، ولی انگلیسی‌ها به بازگشت محمدرضا اصرار کردند...»

شاه ۵ بار می‌خواست فرار کند!

اما کابوس مرداد ۱۳۳۲، ۲۵ سال بعد و در سال ۱۳۵۷ باز به سراغ محمدرضا آمد. این بار با اوج گیری نهضت مردمی حضرت امام، سفیر آمریکا ویلیام سولیوان به سراغ شاه رفت و باز پیام اربابان را به او ابلاغ کرد که باید از کشور فرار کند.

محمدرضا پهلوی بازهم در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ همراه همسر سومش فرح دیبا از ایران فرار کرد و این بار دیگر بازگشتی در کار نبود. او به مصر انورالسادات رفت و سپس در کشورهایی مانند مراکش و پاناما آواره گردید و بعد به مصر بازگشت و در همان‌جا به بیماری سرطان درگذشت. شاید در طول تاریخ ایران، فرار شاهان به ندرت اتفاق افتاده باشد اما شاهی که دوبار از کشورش گریخته باشد، احتمالاً همین شخص محمدرضا پهلوی است.

اما داریوش همایون از کارگزاران رژیم پهلوی، مؤسس و مدیر روزنامه آیندگان و وزیر اطلاعات دولت آموزگار در کتاب خاطراتش به نام «آیندگان و گذشتگان» در مورد شاه و فرارهایش نوشته است:

«... محمدرضا شاه که اصولا آدم متزلزل ضعیفی بود و کاراکتر خیلی خیلی ضعیفی داشت، همیشه پا به‌گریز، همیشه در برابر مشکلات، اول واکنشش تسلیم [بود]. پنج بار در طول ۳۷ سال او آماده‌گریز بود از ایران که دو سه بارش را ما شاهد بودیم، دو بارش را هم خبر نداشتیم و خب دفعه آخر هم به آن صورت [رفت]. اولین‌بار بعد از سوم شهریور بود که می‌گفت اگر نمی‌خواهند، من بروم. کِی بروم؟ دومین بار، نهم اسفند بود. خب مصدق گفت مصلحت در این است که بروید. هر روز می‌پرسید کِی بروم؟ چه‌جوری بروم؟ داشتند پول برایش جمع می‌کردند از خزانه، این طرف، آن طرف؛ آن وقت هم ارز زیاد نداشتند. ۲۵ مرداد که رفت اصلا. گذاشت رفت و.... بعد سومین بار در پانزده خرداد [بود]. در [سال] ۱۳۴۲، اگر عَلَم نبود آماده رفتن بود. ولی در اردیبهشت ۱۳۵۷، بعد از جریان تبریز، باز آماده ترک ایران بود. بالاخره هم که رفت.... نقطه مقابل شاه (آیت‌الله) خمینی بود و مسلما پیروزی‌اش حتمی بود دیگر، برای اینکه یک‌طرف آماده فرار است و تسلیم، یک‌طرف به هر قیمت می‌خواهد موفق بشود و شد...»

از طرف دیگر پرویز ثابتی مدیرکل اداره سوم ساواک در خاطرات خود می‌نویسد:

«... اولین بار در خرداد ۱۳۵۷ در ملاقاتی که با فردوست داشتم، از ایشان شنیدم که: «اگر مردم این قدر ناسپاس باشند، ممکن است بگذارند و بروند»، گفتم: «کجا بروند؟ چطور چنین امری ممکن است؟» در پاسخ گفت: «ایشان چه اندازه می‌توانند این ناسپاسی‌ها را تحمل کنند؟ می‌گذارند از مملکت می‌روند، این یک واقعیت است. »... بار دوم در مرداد ۱۳۵۷ که هنوز آموزگار، نخست‌وزیر بود، جلسه‌ای در نخست‌وزیری... این بار آموزگار گفت: «اگر مردم به این اندازه قدر ناشناس، باشند اعلیحضرت ممکن است رها کنند و بروند. »... بار سوم امکان کناره‌گیری شاه، به وسیله مهناز افخمی از قول والاحضرت اشرف نقل شد. در شهریور ماه... مهناز افخمی که از دیدار والاحضرت اشرف برگشته بود عنوان کرد که والاحضرت به او گفته است که: «با ناسپاسی مردم اعلیحضرت ممکن است از مملکت بروند...»

شاهان ذلیل و بزدل پهلوی

از همین روی محمدرضا با لقب «شاه چمدان به دست» شناخته شد. چراکه همیشه چمدان‌هایش بسته و آماده فرار بود! اگر در صفحه جست وجوی گوگل در اینترنت عبارت suitcase king (شاه چمدان به دست) را وارد کنید، اولین صفحه‌ای که باز می‌شود درباره محمدرضا پهلوی است!!

اما هر دو شاه پهلوی با خفت و خواری فرار را بر قرار و جنگیدن و ایستادن ترجیح دادند و در نهایت ذلت و بدبختی هم در سرزمین‌های غریب، تسلیم مرگ شدند.

سپهبد امیراحمدی از افسران ارشد رضاخان در بخشی از خاطرات خود درباره پیشنهادش به وی در آستانه فرار از ایران نوشته که به او توصیه کرده بماند و بجنگد تا نامش به‌عنوان یک شاه وطن‌پرست در تاریخ ماندگار شود. اما رضاخان، درحالی که تاریخ ایران شاه بزدلی مانند او را به خاطر نداشت، فرار را ترجیح داد و این لکه ننگ فرار علاوه بر سایر خیانت‌ها و جنایت‌های آن پدر و پسر بر صفحات تاریخ این سرزمین باقی ماند. البته فرزند محمدرضا هم قبل از فرار پدرش از کشور در رفت و ۴۷ سال است که اظهار می‌دارد: به زودی می‌آیم!

حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه در یکی از سخنرانی‌های خود درباره این وعده‌های پوچ و لاطائلات فرمودند:

«... یک دسته‌ای نشسته‌اند و منتشر می‌کنند که ما... راه می‌افتیم و می‌آییم برای ایران! خوب تشریف بیاورید راه باز است! اگر شما می‌توانستید کاری بکنید، چرا رفتید؟ کسی که فرار کرده، حالا می‌گوید: ما دیگر با هم منسجم شدیم.... و بنا داریم، راه افتادیم! می‌گویند: راه افتادیم ما، راه افتادیم و داریم می‌آییم. ملت باید توجه داشته باشد. البته اینها حرفهای لاطائلی است که گفته می‌شود، لکن مع ذلک، ملت باید بیدار باشد. از کید آمریکا غافل نباید شد. اینها خودشان قابل آدم نیستند. اگر اینها قابل آدم بودند، وضعشان این طور نمی‌شد...»

پزشکیان:

مأموریت و ساختار نهضت سوادآموزی باید متناسب با نیازهای روز بازتعریف شود

جلسه رسیدگی به وضعیت سازمان نهضت سوادآموزی با حضور رئیس‌جمهور برگزار شد و در این نشست عملکرد، ساختار و مأموریت‌های این سازمان و همچنین موضوع نحوه ادامه فعالیت آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

جلسه رسیدگی به وضعیت سازمان نهضت سوادآموزی، روز شنبه (۲۴ مردادماه)، به ریاست مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و با حضور وزیر آموزش و پرورش، حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی و جمعی از مدیران مرتبط برگزار شد.

پزشکیان در این نشست ضمن تقدیر از تلاش‌های حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، اقدامات انجام‌شده در حوزه سوادآموزی بزرگسالان را شایسته توصیف و تصریح کرد: با توجه به گزارش‌های ارائه‌شده از سوی معاونان و مدیران، تصمیم‌گیری درخصوص نحوه فعالیت، انحلال یا ادغام نهضت سوادآموزی، نیازمند مطالعه و بررسی عمیق و مبتنی بر تجارب موفق جهانی است.

رئیس‌جمهور با تأکید بر لزوم بررسی الگوهای جهانی، خاطرنشان کرد: سازمان‌های مختلف کشور در حال ارائه مهارت‌های متنوع هستند؛ از این‌رو، برای نگاهی جامع به وضعیت نهضت سوادآموزی، باید از محدوده کاری، گستره جغرافیایی و تعداد نیروی انسانی آن آگاهی یافته و نسبت به اهداف، چارچوب و جمعیت هدف، ارزیابی کاملی انجام دهیم تا از موازی‌کاری و تکرار مأموریت‌ها جلوگیری شود.

وی سیاست مسجد و محله‌محوری را یکی از ظرفیت‌های مؤثر در ارتقای سطح سواد عمومی دانست و با اعلام اینکه در این راستا، تمام توان خود را برای دستیابی به نتیجه مطلوب به‌کار خواهیم گرفت، افزود: علاوه‌بر مساجد، مدارس، مراکز بهداشت، انجمن‌ها و دانشگاه پیام‌نور نیز از ظرفیت‌های خوبی در این زمینه برخوردارند. نکته کلیدی، توجه به مأموریت‌ها و عملکرد است؛ چراکه تخصیص منابع، مبتنی بر عملکرد مؤثر و در راستای تحقق اهداف محوله خواهد بود.

رئیس‌جمهور بر تعیین تکلیف وضعیت نیروی انسانی در ساختارهای جدید تأکید کرد و یادآور شد: طبیعتاً پیش از هرگونه اقدام، وضعیت نیروها از حیث ساختاری و استخدامی مشخص باشد.

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی ضمن ابراز علاقه خود به رئیس‌جمهور، اظهار داشت: همان‌گونه که دکتر پزشکیان آگاه هستند، نیاز به سواد از مسکن و بهداشت ضروری‌تر است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با فرمان بنیانگذار کبیر انقلاب، تمامی نهادها در حوزه سوادآموزی بزرگسالان مشارکت فعال داشتند که این همیاری عمومی، موجبات باسوادی ۹۷ درصد از جامعه را فراهم کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، با اشاره به نقش مؤثر آموزش‌یاران این سازمان، تصریح کرد: تمامی فعالیت‌های این نهاد فارغ از هرگونه جهت‌گیری جناحی و سیاسی انجام شده و توانسته است هزاران شهروند ایرانی را تا مقاطع دیپلم، فوق‌دیپلم و حتی کارشناسی ارشد آموزش دهد. این کارنامه، گواه موفقیت‌های نهضت سوادآموزی است. دغدغه اصلی ما این است که در صورت اتخاذ هرگونه تصمیم درباره انحلال یا ادغام، کرامت و جایگاه این نهاد حفظ شود.

در بخش دیگری از این جلسه، علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش، بر تغییر روش‌ها، مأموریت‌ها و راهبردهای سازمان نهضت سوادآموزی تأکید کرد و گفت: با توجه به اینکه سیاست اولیه این سازمان، متمرکز بر رفع بی‌سوادی بود، اکنون با نیازهای روز جامعه، بازنگری در مأموریت‌های جدید و فرآیندهای فعالیت آن ضروری است.

در ابتدای این نشست، شماری از معاونان و مدیران وزارت آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی، ابعاد مختلف موضوع انحلال یا ادغام این سازمان را نقد و بررسی کردند. در ادامه، گزارشی از عملکرد این نهاد از آغاز فعالیت تاکنون ارائه گردید. همچنین بر ضرورت تغییر رویکردهای آموزشی به‌سوی مهارت‌محوری مورد تأکید قرار گرفت و موضوعات مربوط به ساختار و مأموریت‌ها در چارچوب چشم‌انداز جدید بازتعریف شد.

پزشکیان پس از استماع طرح‌ها، برنامه‌ها و پیشنهادهای اعضای جلسه، مقرر داشت که تصمیم نهائی درباره وضعیت و شیوه ادامه فعالیت نهضت سوادآموزی، بر اساس بررسی دقیق اساسنامه هیئت دولت، مستند به ماده ۱۰۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت و با لحاظ گزارش همه‌جانبه وزارت آموزش و پرورش، در جلسات آتی اتخاذ شود.

کدام فناوری جدید موشک‌های ایرانی ترامپ را به میز مذاکره کشاند؟

افشاگری ریک سانچز، روزنامه‌نگار باسابقه آمریکایی، از ناکامی سامانه‌های تاد و پاتریوت در برابر موشک‌های مانورپذیر جدید ایران همزمان با تأیید گزارش‌ها از کاهش ۶۵ تا ۸۰ درصدی ذخایر راهبردی پدافندی آمریکا در خاورمیانه، معادلات نظامی- سیاسی منطقه را به نفع تهران دگرگون کرده است.

در روزهای اخیر، اظهارات ریک سانچز، روزنامه‌نگار باسابقه آمریکایی و مجری پیشین شبکه‌های سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، توجه بسیاری از تحلیلگران نظامی را به خود جلب کرده است.

سانچز در تحلیلی که به بررسی دلایل گرایش دولت ترامپ به مذاکره با جمهوری اسلامی ایران پرداخته، فاش کرده که موشک‌های جدید بالستیک ایران دارای کلاهک‌های مانورپذیری هستند که هنگام ورود مجدد به جو قادر به تغییر مسیر بوده و همین ویژگی، سامانه‌های پدافندی تاد و پاتریوت را در رهگیری آنها با ناکامی مواجه ساخته است.

سانچز به صراحت می‌نویسد: «موشک‌های جدید ایران صرفاً یک مسیر قوسی ثابت بالستیک را طی نمی‌کنند؛ آنها می‌توانند هنگام ورود دوباره به جو، مسیرشان را تغییر دهند. به همین خاطر است که سامانه‌های پدافندی تاد و پاتریوت در رهگیری آنها ناکام می‌مانند.» این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که منابع نظامی و تحلیلگران بین‌المللی نیز نرخ رهگیری موفق پاتریوت را در برخی موارد تنها ۴ تا ۵ درصد برآورد کرده‌اند.

آمریکا در تنگنای مهمات پدافندی

گزارش‌های متعدد از منابع معتبر بین‌المللی حکایت از آن دارد که ارتش آمریکا در جریان پنج ماه درگیری با ایران، با بحران بی‌سابقه‌ای در ذخایر مهمات پدافندی خود مواجه شده است. شبکه سی‌ان‌ان در گزارش خود به نقل از منابع آگاه اعلام کرده که ارتش آمریکا نزدیک به ۸۰ درصد از ذخیره موشک‌های رهگیر سامانه تاد و حدود نیمی از موشک‌های پاتریوت خود را در طول جنگ با ایران مصرف کرده است.

تحلیلگران مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) در واشنگتن تخمین زده‌اند که تعداد موشک‌های پاتریوت در اختیار آمریکا از ۲,۳۳۰ فروند پیش از جنگ به ۷۵۹ تا ۸۲۷ فروند کاهش یافته است؛ یعنی کاهشی حداقل ۶۵ درصدی از آغاز درگیری. همچنین شمار موشک‌های رهگیر تاد از ۴۵۲ فروند پیش از جنگ به ۲۳۴ تا ۲۷۸ فروند رسیده که کاهشی حدود ۳۸ درصدی را نشان می‌دهد.

نیویورک تایمز نیز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داده که زرادخانه آمریکا در پی عملیات نظامی علیه ایران به شدت تحلیل رفته و پنتاگون هم‌اکنون کمتر از ۱,۷۰۰ موشک پاتریوت در اختیار دارد، در حالی که بیش از ۱,۵۰۰ فروند از این موشک‌ها در جنگ با ایران مصرف شده است. به گزارش این روزنامه، جبران این کاهش حتی با احتساب تلاش‌های دولت ترامپ برای افزایش تولید، بیش از دو سال زمان خواهد برد.

فناوری جدید موشکی ایران؛ کلید شکست سامانه‌های پیشرفته

آنچه بحران مهمات آمریکا را از یک مسئله صرفاً کمّی به یک چالش راهبردی تبدیل کرده، تحول کیفی در زرادخانه موشکی ایران است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، ایران در ماه‌های اخیر نسل جدیدی از موشک‌های بالستیک را به کار گرفته که مجهز به فناوری کلاهک مانورپذیر هنگام ورود به جو (MaRV) هستند.

از جمله این موشک‌ها می‌توان به خیبرشکن با سرعت ۹ ماخ و برد ۱,۴۵۰ کیلومتر، و خرمشهر-۴ با سرعت ۱۶ ماخ در خارج از جو و ۸ ماخ هنگام ورود به جو و برد ۲,۰۰۰ کیلومتر اشاره کرد. موشک خیبرشکن که وال‌استریت ژورنال آن را ستون فقرات زرادخانه موشکی ایران توصیف کرده، از موتور سوخت جامد تک‌مرحله‌ای بهره می‌برد و کلاهکی به وزن بین ۴۵۰ تا ۵۹۰ کیلوگرم را حمل می‌کند و نقطه‌زن است.

ویژگی کلیدی این موشک‌ها که سامانه‌های پدافندی آمریکا را با چالش بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته، قابلیت تغییر مسیر در فاز پایانی پرواز است. برخلاف موشک‌های بالستیک سنتی که مسیر نزولی نسبتاً ثابتی دارند، خیبرشکن می‌تواند هنگام ورود مجدد به جو، جهت خود را تغییر دهد و نقطه برخورد را غیرقابل پیش‌بینی سازد. این موشک با سرعت مافوق‌صوت به سمت هدف شیرجه می‌رود و زمان واکنش سامانه‌های دفاعی را به شدت کاهش می‌دهد.

برخی از گونه‌های این موشک به کلاهک‌هایی مجهز هستند که در مرحله پایانی مسیر از بدنه موشک جدا شده و با بهره‌گیری از یک موتور کوچک، تغییرات لحظه‌آخر در مسیر خود ایجاد می‌کنند و به سرعتی معادل ۹,۶۰۰ کیلومتر بر ساعت دست می‌یابند.

هزینه‌ها و تاکتیک‌های جدید؛ جنگ نامتقارن در تراز نوین

یکی از ابعاد مهم این معادله که کمتر به آن پرداخته شده، هزینه است. هزینه تولید هر موشک خیبرشکن به مراتب کمتر از هزینه موشک‌های رهگیر مورد نیاز برای انهدام آن است.

این مزیت اقتصادی به ایران امکان می‌دهد تا با شلیک همزمان چندین موشک، سامانه‌های پدافندی دشمن را اشباع کند. حتی اگر تمام موشک‌ها به سپر دفاعی نفوذ نکنند، وادار کردن دشمن به مصرف انبوه موشک‌های رهگیر، هزینه‌های هنگفتی را به او تحمیل می‌کند.

نکته قابل تأمل دیگر، تنوع تاکتیک‌های تهاجمی ایران است. مقامات آمریکایی اذعان کرده‌اند که ایران در حملات اخیر خود، همزمان از موشک‌های خیبرشکن، پهپادهای پرسرعت و موشک‌های قدیمی‌تر(مانند خانواده قدر) علیه اهداف مشترک استفاده کرده و حملات چندلایه‌ای طراحی کرده که هدف آن اشباع سامانه‌های پدافند هوائی است.

ژنرال جوزف وتل، فرمانده پیشین سنتکام، در این باره گفته: این نشان می‌دهد که ایران بسیار دقیق نظارت می‌کند، آنها در حال یادگیری و تلاش برای پیشی گرفتن از ما هستند. آنها تجربه زیادی در این زمینه دارند.

پیامدهای راهبردی؛ از خاورمیانه تا آسیا و اروپا

کاهش شدید ذخایر مهمات پدافندی آمریکا پیامدهای فراتر از مرزهای خاورمیانه داشته است. به گزارش نیویورک تایمز، پنتاگون ناچار شده کشتی‌ها، هواپیماها و یگان‌های پدافند هوائی را از اروپا و آسیا به خاورمیانه منتقل کند تا کمبودها را جبران نماید.

این جابه‌جایی که مقامات آمریکایی آن را دارای پیامدهای دومینووار برای نگهداری تجهیزات و روحیه نیروها توصیف کرده‌اند، نگرانی‌هایی را درباره توانایی آمریکا در حفاظت از متحدان خود در شرق آسیا، به ویژه کره جنوبی و ژاپن، ایجاد کرده است.

نشریه آتلانتیک نیز گزارش داده که ذخایر موشک‌های رهگیر پیشرفته آمریکا به سطح هشداردهنده‌ای کاهش یافته و هرگونه تصمیم برای اعزام نیروی زمینی به منطقه، به اتمام کامل سامانه‌های پدافندی باقی‌مانده خواهد انجامید.

جیمز استاوریدیس، دریاسالار بازنشسته نیروی دریایی آمریکا در تشریح وضعیت نابسامان مهمات نظامی آمریکا می‌گوید:

«این وضعیت، تنها با یک کلمه قابل توصیف است: خطرناک... البته باید تکذیبیه‌های پنتاگون را نیز در نظر گرفت. اما اگر این ادعا که ۸۰ درصد از ذخایر مصرف شده، صحت داشته باشد، ایالات متحده دیگر قادر نخواهد بود به‌طور کامل به متحدان خود در خلیج‌فارس، کشورهای عربی و اسرائیل برای دفاع از خود کمک کند. همچنین آمریکا دیگر نخواهد توانست موشک‌های پدافند هوائی در اختیار اوکراین قرار دهد... علاوه‌بر این، موشک‌های رهگیر کافی برای بازدارندگی در برابر چین نیز در دسترس نخواهد بود. فرماندهان نظامی در سراسر جهان، از جمله در اروپا و آمریکای لاتین، جایی که خودم نیز فرماندهی کرده‌ام، نسبت به این مسئله نگرانی عمیقی دارند».

پنتاگون و دست و پا زدن برای فرار از باتلاق جنگ ایران

در واکنش به این گزارش‌ها، پنتاگون نامه‌ای به رهبران صنایع دفاعی ارسال کرده و از آنها خواسته ظرف ۲۱ روز برنامه‌های خود را برای تسریع چشمگیر برنامه‌های تولید و افزایش ظرفیت تولید ارائه دهند. معاون وزیر دفاع آمریکا در این نامه تأکید کرده است: چرخه‌های توسعه چندساله قابل قبول نیستند. ما باید اکنون برنامه‌های خود را به شدت تسریع و ظرفیت تولید را افزایش دهیم.

تغییر معادله با تغییر تاکتیک؟

به گزارش خبرگزاری دانشجو، تحلیل جامع گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که ترکیب دو عامل کمبود بی‌سابقه مهمات پدافندی آمریکا و ظهور نسل جدید موشک‌های مانورپذیر ایرانی، معادله نظامی- سیاسی منطقه را به طور اساسی دگرگون ساخته است. فناوری کلاهک‌های مانورپذیر (MaRV) که به گفته ریک سانچز، سامانه‌های تاد و پاتریوت را در رهگیری ناکام گذاشته، عملاً مزیت پدافندی آمریکا را که برای دهه‌ها ستون فقرات استراتژی نظامی واشنگتن در خاورمیانه بود، با چالش بی‌سابقه‌ای مواجه کرده است.

از سوی دیگر، کاهش ذخایر راهبردی موشک‌های رهگیر از یک‌سو و جابه‌جایی تجهیزات از آسیا و اروپا به خاورمیانه از سوی دیگر، نشان‌دهنده آن است که آمریکا در یک گره راهبردی گرفتار شده است: ادامه درگیری مستلزم ریسک پذیرفتن خلأهای دفاعی در سایر نقاط جهان است و توقف آن نیز با توجه به شروط قاطع ایران، با هزینه‌های سیاسی سنگینی همراه خواهد بود.

آنچه مسلم است، افشاگری‌های ریک سانچز و گزارش‌های تأییدکننده از سوی رسانه‌های معتبر مانند نیویورک‌تایمز، سی‌ان‌ان، آتلانتیک و مرکز CSIS، نشان از یک تحول راهبردی دارد: دوران برتری مطلق سامانه‌های پدافندی آمریکا در برابر موشک‌های بالستیک منطقه، با ورود نسل جدید موشک‌های مانورپذیر ایران، به پایان خود نزدیک می‌شود.

جزئیات جدید از هواگردهای شکار شده توسط سپاه در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه

بخشی دیگر از گنجینه پهپادهای شکارشده آمریکایی و رژیم صهیونیستی در یکی از پایگاه‌های زیرزمینی پدافند هوائی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نمایش درآمد.

پارک ملی هوافضا پیش از این محل نمایش بخشی از مهم‌ترین پهپادهای آمریکایی به غنیمت گرفته‌شده از جمله Global Hawk، MQ۱ MQ۴ و RQ۱۷۰ بود؛ اما این بار بخشی دیگر از گنجینه پهپادهای شکارشده آمریکایی و رژیم صهیونیستی در یکی از پایگاه‌های زیرزمینی پدافند هوائی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نمایش درآمد.

این پایگاه تحت تدابیر حفاظتی ویژه قرار دارد و برای نخستین‌بار بخشی از دستاوردهای پدافند هوائی نیروی هوافضای سپاه در رهگیری و انهدام پهپادهای آمریکایی و صهیونیستی در جریان جنگ تحمیلی سوم در آن به نمایش گذاشته شده است.

در این پایگاه، بخش قابل توجهی از بقایای پهپادهای پیشرفته دشمن از جمله MQ۹، هرمس ۹۰۰ و هرمس ۴۵۰ دیده می‌شود. در بخشی از سالن نیز تجهیزات و قطعات فنی مربوط به پهپادهای MQ۹ قرار گرفته است؛ پرنده‌هایی که به گفته مسئولان پدافند هوائی سپاه، با وجود برخورداری از قابلیت‌های مختلف برای جلوگیری از رهگیری، توسط سامانه‌های پدافندی سپاه شناسایی و منهدم شده‌اند.

بر اساس توضیحات ارائه‌شده، برخی از این پهپادها برای مقابله با سامانه‌های پدافند هوائی از دست‌کم چهار روش استفاده می‌کنند، اما سامانه‌های پدافندی سپاه توانسته‌اند این پرنده‌ها را رهگیری و سرنگون کنند.

در تولید و تحویل سامانه‌های پدافندی خللی ایجاد نشده است

یکی از افسران ارشد پدافند هوائی سپاه با اشاره به روند توسعه سامانه‌های پدافندی کشور گفت: بیش از ۸۵ درصد زیرساخت‌های تولیدی سامانه‌های پدافند هوائی که در مجموعه‌های خودکفایی نیروی هوافضای سپاه تولید می‌شوند، حفظ شده است.

وی افزود: در تولید و تحویل سامانه‌های پدافندی خللی ایجاد نشده و تولید سامانه‌های نوین پدافند هوائی ادامه دارد. همچنین نرخ تولید برخی تجهیزات و موشک‌هایی که در جریان جنگ کارآمدی خود را نشان دادند، نسبت به پیش از جنگ تحمیلی سوم افزایش یافته است.

این فرمانده پدافند هوائی سپاه ادامه داد: نرخ تحویل تجهیزات به رده‌های عملیاتی نیز نسبت به قبل از جنگ افزایش پیدا کرده و توسعه سامانه‌های نوین پدافندی در دستور کار قرار دارد.

حجت‌الاسلام علی نادری، معاون روابط‌عمومی نیروی هوافضای سپاه نیز می‌گوید: سامانه‌های نوین باید علاوه‌بر برخورداری از قابلیت کشف و درگیری با اهداف دشمن، به‌گونه‌ای طراحی شوند که دشمن امکان شناسایی و هدف قرار دادن آنها را نداشته باشد.

یکی از بخش‌های قابل توجه این پایگاه، بقایای یک فروند جنگنده F۱۵ است که در روز ۱۴ فروردین توسط آتش پدافند هوائی نیروی هوافضای سپاه منهدم شده است.

به گزارش فارس، این فرمانده پدافند هوائی سپاه درباره نحوه انهدام این جنگنده گفت: F۱۵ با استفاده از یک سامانه و موشک پدافند هوائی نوین و با بهره‌گیری از تاکتیک‌های بومی مورد اصابت قرار گرفته است.

وی تأکید کرد: ترکیب تجهیزات و تاکتیک‌های عملیاتی، امکان مقابله با یکی از تجهیزات پیشرفته دشمن را فراهم کرده است.

در بقایای این جنگنده، آثار اصابت موشک و ترکش‌های ناشی از انفجار به‌وضوح قابل مشاهده است. ورودی هوای جنگنده نیز در اثر اصابت و انفجار آسیب دیده است.

این فرمانده پدافند هوائی سپاه درباره لحظه اصابت موشک نیز اظهار کرد: خلبان جنگنده تنها چند ثانیه پیش از اصابت موشک متوجه تهدید شده و فرصت کافی برای استفاده از اقدامات مقابله‌ای علیه سامانه پدافندی را نداشته است.

وی این موضوع را یکی از نشانه‌های عملکرد پدافند نوین عنوان کرد که خارج از روال کلاسیک مقابله با اهداف هوائی عمل می‌کند.

جزئیاتی از پهپاد MQ۹ آمریکایی

در بخش دیگری از این پایگاه، یک فروند MQ۹ آمریکایی با شماره سریال ۲۶۱ به نمایش گذاشته شده است؛ پهپادی راهبردی و چندمنظوره که قابلیت انجام مأموریت‌های شناسایی و رزمی را دارد.

این فرمانده پدافند هوائی سپاه درباره این پهپاد گفت: این پرنده ۵ تن وزن دارد و طول آن ۲۰ متر است. MQ۹ با برخورداری از ابعاد بزرگ و طول بال قابل توجه، یکی از پهپادهای مهم و چندمنظوره ارتش آمریکا محسوب می‌شود که قابلیت انجام مأموریت‌های شناسایی، جمع‌آوری اطلاعات و عملیات رزمی را دارد.

مسئول پدافند هوائی سپاه با اشاره به اهمیت این پهپادها گفت: یکی از اقدامات مهم پدافند هوائی در جریان جنگ، زمینگیر کردن این نوع پرنده‌های راهبردی بوده است.

در میان بقایای این پهپاد، آرم نیروی هوائی آمریکا نیز دیده می‌شود که در جریان انهدام پرنده آسیب دیده است.

در این نمایشگاه همچنین چند مدل از تجهیزات و مودم‌های مرتبط با استارلینک به نمایش درآمده است.

به گفته مسئولان، این تجهیزات در حوزه ارتباطات و انتقال داده مورد استفاده قرار می‌گیرند و می‌توانند سرعت انتقال داده را نسبت به برخی لایه‌های ارتباطی قبلی افزایش دهند.

در توضیح کاربرد این تجهیزات، عنوان می‌شود که شبکه‌های ارتباطی مذکور می‌توانند در هدایت پهپادها و تبادل اطلاعات میان آنها مورد استفاده قرار گیرند.

با این حال، درباره جنگ ۱۲ روزه تأکید شده است که هیچ‌کدام از تجهیزات استارلینک روی پهپادهای مورد استفاده دشمن نصب نشده بود و مأموریت‌های پهپادی و عملیات‌های مربوط به انهدام اهداف تاکتیکی و رزمی بدون استفاده از این تجهیزات انجام شده است.

در بخش دیگری از این پایگاه زیرزمینی، بقایای تعداد زیادی از پرنده‌های سرنگون‌شده قرار دارد؛ اما مسئولان تأکید می‌کنند که همه لاشه‌های موجود در این